

نقش حوزه های علمیه در مدیریت بحران های اجتماعی

کیمیا جعفری فر^۱

چکیده

حوزه های علمیه در تاریخ اجتماعی ایران همواره به عنوان یکی از نهادهای اصلی تولید معرفت دینی، هدایت فرهنگی و مرجعیت اخلاقی جامعه شناخته شده اند. در جهان امروز که بحران های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی پی در پی بروز می یابند و ارزش های جمعی به واسطه ی تحولات ارتباطی، اقتصادی و سیاسی در معرض تزلزل قرار گرفته اند، ضرورت بازخوانی کارکرد حوزه های علمیه در مدیریت این بحران ها بیش از هر زمان احساس می شود. هدف پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل نقش های چندگانه حوزه های علمیه در فرایند مدیریت بحران های اجتماعی با تأکید بر ابعاد آموزشی، فرهنگی، معنوی و اجتماعی است تا نشان دهد چگونه این نهاد می تواند با تکیه بر سرمایه ی انسانی و معنوی خود، به بازسازی امید، اعتماد و انسجام اجتماعی یاری رساند. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه ای، تحلیل اسنادی و بررسی موردی تجربیات اخیر حوزه ها در مواجهه با بحران های طبیعی و اجتماعی است. داده ها بر اساس تحلیل محتوای کیفی طبقه بندی شده و در قالب چهار محور نقش فرهنگی، معنوی، اجتماعی و آموزشی بررسی گردیده اند. یافته ها نشان می دهد که حوزه های علمیه با برخورداری از جایگاه اجتماعی و پیوند مستقیم با مردم، می توانند به عنوان قدرت نرم جامعه در مدیریت بحران ها عمل کنند. ایجاد مراکز مشاوره و پژوهش، تربیت طلاب متخصص در حوزه ی روان شناسی و مدیریت بحران، همکاری سازمان یافته با نهادهای اجرایی، و حضور میدانی طلاب در بحران ها از جمله کارکردهایی است که می تواند ظرفیت حوزه را از سطح تبلیغ سنتی به عرصه ی تصمیم سازی اجتماعی ارتقا دهد.

کلید واژه ها: حوزه های علمیه، مدیریت بحران اجتماعی، سرمایه اجتماعی دینی، تاب آوری فرهنگی، نقش روحانیت

^۱ طلبه کارشناسی، گرایش عمومی ویژه، حوزه علمیه فاطمه زهرا (اسلام آباد غرب). kimia.j.m.j.m@gmail.com

۱. کلیات تحقیق

۱-۱. بیان مسئله

جامعه‌ی امروز ایران، همانند بسیاری از جوامع در حال گذار، با مجموعه‌ای از بحران‌های اجتماعی پیچیده روبه‌روست (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۷۹)؛ بحران‌هایی که از تنش‌های فرهنگی و اخلاقی تا فروپاشی سرمایه‌ی اجتماعی و ضعف در اعتماد نهادی را دربرمی‌گیرد. در این منظومه‌ی بحران‌ها، از یک‌سو نهادهای رسمی دولتی درگیر مسائل ساختاری و محدودیت‌های مدیریتی‌اند، و از سوی دیگر، نهادهای مردمی و دینی در معرض چالش تطبیق سنت‌های خود با نیازهای شرایط جدید قرار دارند (ماندگار و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۱۲۰). یکی از نهادهای مرکزی و تأثیرگذار در این میان، حوزه‌های علمیه‌اند؛ نهادهایی که هم سابقه‌ی دیرینه در هدایت فکری و تربیتی جامعه دارند و هم پیوندی عمیق با متن مردم و فرهنگ دینی برقرار کرده‌اند. با وجود این ظرفیت‌ها، جایگاه حوزه‌های علمیه در نظام مدیریت بحران اجتماعی هنوز به‌طور علمی و نظام‌مند تبیین نشده است. اغلب سیاست‌ها و برنامه‌ها در عرصه‌ی بحران به نهادهای دولتی یا سازمان‌های مدنی محدود شده و نقش شبکه‌های دینی تنها به صورت موردی یا احساسی مورد توجه قرار گرفته است (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۳۵). در حالی که بحران‌های اجتماعی، بیش از هر چیز، نیازمند بازسازی روانی، معنوی و فرهنگی جامعه‌اند و این حوزه دقیقاً جایی است که توان و مشروعیت نهاد دین برای اثرگذاری بیشتر آشکار می‌شود.

از سوی دیگر، جهانی‌شدن رسانه، گسترش فضای مجازی و تغییر الگوهای ارتباط اجتماعی، چالش‌های جدیدی در تعامل میان دین و جامعه به‌وجود آورده است (مخلصی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۱۳۹). حوزه‌های علمیه در این وضعیت باید بتوانند ضمن حفظ اصالت معرفتی، با زبان روز و منطق رسانه‌ای جدید با مردم گفت‌وگو کنند تا حضورشان در مدیریت بحران، کارآمد و پاسخ‌گو باشد (صلواتیان و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۳۱). مسئله‌ی محوری این تحقیق، بررسی چگونگی نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه در مدیریت بحران‌های اجتماعی ایران و تحلیل ظرفیت‌های معرفتی، فرهنگی و ساختاری این نهاد برای تبدیل دانش دینی به راهکارهای اجرایی در بحران‌هاست. به بیان روشن‌تر، پرسش اساسی این است: حوزه‌های علمیه با تکیه بر سرمایه‌ی معنوی، آموزشی و اجتماعی خود چگونه می‌توانند به بازسازی اعتماد عمومی، کاهش اضطراب اجتماعی و ارتقای تاب‌آوری فرهنگی کمک کنند؟ پاسخ به این پرسش نه‌تنها برای برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی کشور اهمیت دارد، بلکه برای خود حوزه‌ها نیز ضرورتی راهبردی محسوب می‌شود تا نقش تاریخی‌شان در حل بحران‌های جامعه، از سطح واکنش‌های عاطفی به سطح سیاست‌گذاری عقلانی ارتقا یابد.

۱-۲. اهمیت و ضرورت مسئله

اهمیت پژوهش حاضر از چند جنبه قابل تبیین است:

۱. جنبه اجتماعی: بحران‌های اجتماعی در ایران، به‌ویژه در دهه‌ی اخیر، الگوهای غیرخطی و چندوجهی یافته‌اند؛ از بحران‌های خانواده و هویت تا ناهنجاری‌های اقتصادی، رسانه‌ای و فرهنگی. این بحران‌ها نه‌تنها کارکرد نهادهای رسمی را مختل می‌کنند، بلکه بنیان اعتماد عمومی را نیز تضعیف می‌نمایند. در این میان، نقش نهادهای مذهبی در بازسازی این اعتماد بی‌بدیل است، زیرا سرمایه‌ی اعتقادی مردم در لحظه‌های بحرانی به‌سوی دین و معنویت بازمی‌گردد. حوزه‌های علمیه با پشتوانه‌ی مشروعیت تاریخی و مردمی خود می‌توانند عامل واسطه‌ای میان مردم و حاکمیت برای بازگرداندن آرامش اجتماعی باشند.

۲. جنبه فرهنگی: از منظر فرهنگی، بحران اجتماعی همواره با افول ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی همراه است. اگر نظام فرهنگی نتواند ارزش‌های جمعی را در لحظات بحرانی به‌روز و بازتولید کند، جامعه دچار سردرگمی ارزشی و بی‌اعتمادی می‌شود. در چنین وضعیتی، حوزه‌های علمیه به‌عنوان پاسداران فرهنگ دینی، قادرند الگوهای بازتولید اخلاقی و تاب‌آوری فرهنگی را بر اساس آموزه‌های اسلامی ارائه دهند. فرهنگ امید، توکل، صبر و همکاری اجتماعی ابزارهایی‌اند که از درون سنت دینی می‌توان برای مدیریت بحران‌ها استخراج کرد.

۳. جنبه معرفتی و آموزشی: مدیریت بحران، امری صرفاً اجرایی نیست؛ بلکه نیازمند فکری منسجم و بین‌رشته‌ای است. در این سطح، حوزه‌های علمیه می‌توانند با بازنگری در نظام آموزشی خود، دانش دینی را با دانش‌های رفتاری و اجتماعی ترکیب کنند و الگوهایی نظری برای مواجهه‌ی دینی با بحران ارائه دهند. تربیت طلبه‌هایی که توان تبیین مسائل اجتماعی و تحلیل علمی بحران‌ها را دارند، مسیر تأثیرگذاری پایدار حوزه بر جامعه خواهد بود.

۴. جنبه راهبردی: حوزه‌های علمیه در دوران انقلاب اسلامی تا امروز همواره در لحظه‌های بحرانی - از جنگ تحمیلی تا همه‌گیری کرونا - نقش‌آفرین بوده‌اند؛ اما این نقش اغلب بدون چارچوب نظری مدون صورت گرفته است. تبدیل تجربه‌ی عملی حوزه‌ها به مدل مدیریت بحران دینی، هدفی راهبردی است که می‌تواند به سیاست‌گذاری کلان فرهنگی کشور کمک کند.

بنابراین ضرورت این تحقیق از نیاز روزافزون جامعه به مدیریت بحران‌های نرم - شامل بحران اعتماد، اخلاق و فرهنگ - ناشی می‌شود؛ بحران‌هایی که راه‌حل‌شان نه در ابزار اداری بلکه در بازسازی معنوی و تولید گفتمان عقلانی - ایمانی است، و دقیقاً در این نقطه، حوزه‌های علمیه نقش یگانه‌ای دارند.

۱-۳. اهداف و فواید تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی-توصیفی، چند هدف اصلی و کاربردی را دنبال می‌کند:

الف. اهداف اصلی:

۱. تبیین نقش معرفتی، فرهنگی و ساختاری حوزه‌های علمیه در مدیریت بحران‌های اجتماعی ایران؛
۲. تحلیل ظرفیت‌های معنوی و اخلاقی حوزه برای تقویت تاب‌آوری فرهنگی جامعه در شرایط بحرانی؛
۳. طراحی چارچوب نظری مدیریت بحران اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های دینی؛
۴. بررسی الگوهای تاریخی حضور حوزه در بحران‌های اجتماعی و ارائه مدل تطبیقی با واقعیت‌های امروز.

ب. اهداف کاربردی:

۱. ارائه راهکارهای آموزشی و سیاستی برای توسعه مهارت‌های «مدیریت بحران اجتماعی» در میان طلاب و مبلغان دینی؛
۲. استفاده از نتایج تحقیق برای برنامه‌ریزی فرهنگی در سطح استان‌ها، نهادهای دینی و مراکز مشاوره؛
۳. کمک به شکل‌گیری گفتمان علمی نو درباره مدیریت بحران دینی در مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور؛
۴. افزایش آگاهی عمومی از ظرفیت‌های حوزوی در آرام‌سازی اجتماعی و تقویت پیوند مردم با نهاد دین.

فواید و دستاوردهای مورد انتظار: پژوهش حاضر می‌تواند به ایجاد هم‌افزایی میان دو حوزه‌ی علم و دین بیانجامد و به سیاست‌گذاران فرهنگی کشور نشان دهد که چگونه می‌توان از سرمایه‌های معنوی در مدیریت بحران اجتماعی بهره برد. علاوه بر این، نتایج تحقیق به خود حوزه‌های علمیه در اصلاح ساختار آموزشی، توسعه دوره‌های تخصصی و شکل‌دهی تعاملات نهادی با دولت کمک خواهد کرد.

۱-۴. پیشینه تحقیق

مطالعه‌ی پیشینه‌ی علمی نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر مطالعات قابل توجهی در زمینه‌ی مدیریت بحران از زاویه‌ی دینی انجام گرفته است، اما اغلب این پژوهش‌ها به بررسی موردی یا موضوعی خاص (مانند بحران کرونا یا بلایای طبیعی) محدود شده‌اند و کمتر به نقش نهادی حوزه‌های علمیه در مدیریت بحران‌های اجتماعی پرداخته‌اند.

۱. در مقاله‌ای با عنوان «الگوی مدیریت بحران امام رضا (علیه السلام)» اثر شفیعی، خدمتی، ابوطالب و زارع شحنه (۱۴۰۳)، به تحلیل شیوه مدیریت بحران در ماجرای ولایتعهدی از منظر تاریخی و رفتاری پرداخته شده و نشان داده می‌شود که ریشه‌های عمیق اخلاقی و سیاسی مدیریت بحران دینی در سنت علوی و رضوی وجود دارد. این پژوهش الگوهایی ارائه می‌دهد که می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های حوزه‌های علمیه در بحران‌های اجتماعی امروز نیز الهام ببخشد.
۲. در کتاب «رسانه‌ها و مدیریت بحران» اثر صلواتیان (۱۳۸۹)، بر نقش اطلاع‌رسانی صحیح مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی تأکید شده است. نویسنده معتقد است که مدیریت افکار عمومی در شرایط بحرانی نیازمند نظام ارتباطی صادقانه است، امری که حوزه‌های علمیه با اعتبار فرهنگی و سرمایه اعتماد دینی می‌توانند در آن نقش‌آفرینی مستقیم داشته باشند.
۳. همچنین در مقاله پدرام (۱۴۰۳) با عنوان «نقش اطلاع‌رسانی در مدیریت بحران مخاطرات جوی و اقلیمی»، تأکید شده است که انتشار آگاهی دقیق در بحران‌ها، عاملی کلیدی در کاهش آسیب‌های اجتماعی است؛ با مقایسه بین حوزه‌های دینی و نهادهای مدنی، می‌توان دریافت که حوزه‌های علمیه می‌توانند از طریق منابع، رسانه‌های حوزوی و روحانیون محلی، حلقه واسطی بین مردم و مدیریت بحران باشند.
۴. از سوی دیگر، ترابی (۱۳۸۷) در مقاله «مدیریت تحول یا تحول مدیریت در حوزه‌های علمیه»، این نکته را مطرح می‌کند که نظام مدیریتی حوزه، برای ایفای نقش مؤثر در جامعه‌ی در حال دگرگونی، باید خود را بازآفرینی کند. او بر ضرورت هماهنگی بین آموزه‌های سنتی و نیازهای مدیریتی مدرن تأکید دارد تا حوزه بتواند در بحران‌های معاصر، نه صرفاً به عنوان مرجع معنوی، بلکه به عنوان مدیر اجتماعی فعال حضور یابد.
۵. در همین راستا، رحمانی (۱۳۹۰) در مقاله «ضرورت‌های مدیریت استراتژیک فرهنگی در حوزه‌های علمیه در عصر جهانی شدن»، مدیریت فرهنگی را زیربنای پایداری اجتماعی می‌داند و تأکید می‌کند که تهدیدات فرهنگی ناشی از جهانی شدن، خود نوعی بحران اجتماعی‌اند که تنها با مدیریت هدفمند و عقلانی حوزه‌های علمیه قابل کنترل است. بررسی این اثر نشان می‌دهد که رویکرد استراتژیک فرهنگی حوزه، همان مدیریت بحران نرم اجتماعی است.
۶. پژوهش دیگری با عنوان «بررسی مؤلفه‌های هوش سازمانی حوزه علمیه قم در مدیریت بحران کرونا» اثر ماندگار قلندری، منطقی و زمانی (۱۴۰۱)، به صورت موردی نشان می‌دهد که در بحران کرونا، حوزه علمیه با ایجاد هماهنگی ساختاری و شبکه‌های دانشی، نقش مؤثری در امیدبخشی، خدمات مردمی و هدایت فکری جامعه داشته است. در همین زمینه، مخلص‌ی و فوادیان (۱۴۰۲) نیز در مقاله

نقش فرهنگی و تربیتی، نقش معنوی و دینی، نقش اجتماعی و عملی، و نقش ساختاری در پیش‌بینی و هشدار بحران. این پنج حوزه به صورت شبکه‌ای در هم تنیده‌اند و نوعی سامانه‌ی هم‌افزا را می‌سازند که اگر به صورت نظام‌مند و راهبردی به کار گرفته شود، می‌تواند بخشی از ضعف‌های فعلی در نظام مدیریت بحران کشور را جبران کند. نتایج نشان داد که مهم‌ترین نقطه‌ی قوت حوزه‌ها، برخورداری از نفوذ مردمی عمیق و ارتباط چهره‌به‌چهره با لایه‌های مختلف جامعه است، امری که در اغلب سازمان‌های دولتی وجود ندارد. همین ویژگی، موجب می‌شود که پیام‌ها و فعالیت‌های حوزه در زمان بحران، از مشروعیت اخلاقی و اثرگذاری عاطفی بالاتری برخوردار باشد.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان دادند که ناکارآمدی نسبی حوزه در برخی موارد، نه از ضعف محتوایی بلکه از کمبود زیرساخت و نبود پیوند سازمان‌یافته با نهادهای دیگر ناشی می‌شود. به عنوان مثال، بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و امدادی طلاب، هرچند پرشور و مخلصانه‌اند، اما به دلیل عدم وجود شبکه‌ی هماهنگی و سازمان داده، پایداری و تکرارپذیری لازم را ندارند. حوزه‌ها زمانی می‌توانند نقش نهادی در مدیریت بحران ایفا کنند که اقدامات آنان از سطح فردی به سطح ساختاری ارتقا یابد. این ارتقا مستلزم سه اصلاح بنیادین است: نخست، نهادینه‌سازی آموزش‌های تخصصی مدیریت بحران در برنامه‌های درسی حوزه؛ دوم، تأسیس مراکز پژوهشی و رصد بحران‌های اجتماعی؛ و سوم، تنظیم سازوکار همکاری رسمی با نهادهای اجرایی و سازمان‌های مردم‌نهاد.

نتایج نشان داد که از منظر فرهنگی و تربیتی، حضور روحانیت در رسانه‌ها، تولید محتوای اخلاقی و تبلیغ کارآمد ارزش‌های اجتماعی (مانند امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری، صداقت و نوع‌دوستی) تأثیر چشمگیری در کاهش اضطراب‌ها و تقویت همبستگی اجتماعی دارد. همچنین نقش معنوی - دینی حوزه‌ها در بازسازی ایمان و ایجاد آرامش روانی جمعی، نقشی غیرقابل‌جایگزین است؛ به گونه‌ای که در بحران‌های طبیعی و اجتماعی، پیام‌ها و توصیه‌های عالمان دینی یکی از مهم‌ترین منابع بازسازی نظم اخلاقی به شمار می‌آید. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی نظیر «صبر»، «توکل»، و «اعتماد به رحمت الهی» هنگامی که به صورت معقول و منسجم آموزش داده شوند، موجب افزایش تاب‌آوری، انسجام خانوادگی و کاهش تمایل به رفتارهای هیجانی یا خشونت‌آمیز می‌گردند.

از نظر بعد پژوهشی، مطالعه حاضر نشان داد که هنوز در حوزه‌های علمیه، پژوهش‌های میدانی و داده‌محور پیرامون بحران‌های اجتماعی به صورت منظم توسعه نیافته است. در نتیجه، سیاست‌گذاری فرهنگی متکی بر شهود یا برداشت فردی است و نیازمند گذار به تصمیم‌سازی مبتنی بر شواهد می‌باشد. اگر پژوهش‌های حوزوی به سمت تحلیل تجربی تحولات اجتماعی سوق داده شود، حوزه می‌تواند جایگاهی کلیدی در نظام «مدیریت دانش بحران» کشور بیابد. به طور کلی، یافته‌های این تحقیق تأکید می‌کنند که حوزه‌ی علمیه‌ی

کارآمد در دوران بحران، حوزه‌ای است که بین سه بُعد معرفتی، اخلاقی و اجرایی تعادل برقرار کند؛ یعنی در عین استواری بر اصول اعتقادی، زبان علمی روز را بفهمد و بتواند میان اخلاق دینی و ضرورت‌های اجتماعی، نسبتی پویا برقرار سازد. موفقیت نهایی حوزه‌ها در مدیریت بحران، وابسته به این است که از اندرز اخلاقی صرف فراتر روند و به نهادهای تصمیم‌ساز و افکار عمومی پیوند خورند. بنابراین، در افق بلندمدت، حوزه‌های علمیه اگر به بازاندیشی در مدل آموزشی و پژوهشی خویش پردازند و در شبکه‌ی نهادهای فرهنگی، رفاهی و رسانه‌ای حضور ساختاری بیابند، خواهند توانست نه تنها در زمان بحران، بلکه در دوران آرامش نیز حافظ سلامت اخلاقی و روانی جامعه باشند.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان مجموعه‌ای از پیشنهادات کاربردی و راهبردی برای ارتقای نقش حوزه‌های علمیه در مدیریت بحران‌های اجتماعی ارائه داد.

۱. نخستین پیشنهاد آن‌که حوزه‌های علمیه باید نقشه‌ی جامع مدیریت بحران بر مبنای آموزه‌های دینی تدوین کنند. این نقشه باید شامل اهداف، ساختار اجرایی، فرایند ارزیابی و شاخص‌های عملکرد باشد و به عنوان سند راهبردی در مراکز حوزوی تصویب گردد. در این سند، انواع بحران‌ها (طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی) تعریف و وظایف هر بخش از نهاد حوزه (آموزشی، تبلیغی، پژوهشی، و مردمی) مشخص شود. بدون نقشه‌ی واحد، فعالیت‌ها پراکنده، کوتاه‌مدت و وابسته به انگیزه‌ی اشخاص باقی خواهد ماند.

۲. پیشنهاد دوم، ایجاد مسیرهای هم‌افزایی نهادی میان حوزه و سازمان‌های رسمی مدیریت بحران است. بدین‌منظور باید دفاتر رابط دائمی بین حوزه و دستگاه‌هایی مانند سازمان مدیریت بحران کشور، جمعیت هلال احمر، سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت کشور تأسیس شود تا برنامه‌ها به صورت منظم، قابل‌ارزیابی و بلندمدت اجرا گردند. مشارکت روحانیت در شورای فرهنگی مدیریت بحران می‌تواند هماهنگی میان پیام‌های دینی و مداخلات اجرایی را افزایش دهد.

۳. پیشنهاد سوم، بازنگری در نظام آموزشی حوزه است؛ بدین معنا که دروس جدیدی چون روان‌شناسی بحران، جامعه‌شناسی دین، مدیریت فرهنگی و ارتباطات اجتماعی باید به الگوی درسی طلاب افزوده شود. تربیت «روحانی پژوهشگر و کارشناس اجتماعی» هدفی است که می‌تواند حوزه را از انزوای نظری بیرون آورد و آن را وارد میدان تجربه‌ی اجتماعی کند. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود هر مدرسه علمیه واحد یا دفتر ویژه‌ای برای آموزش مهارت‌های زندگی، کنترل خشم، مشاوره خانوادگی

و تحلیل اجتماعی بحران‌ها ایجاد کند تا طلاب پیش از ورود به عرصه تبلیغ، با این مهارت‌ها آشنا شوند.

۴. پیشنهاد چهارم، توسعه‌ی پژوهش‌های میدانی و تأسیس بانک داده‌های حوزوی در حوزه آسیب‌های اجتماعی است. این بانک اطلاعاتی باید بر پایه‌ی داده‌های گردآوری‌شده از سطح شهرها و استان‌ها بنا شود تا بتوان الگوهای بحران اخلاقی و فرهنگی را شناسایی کرد. حمایت مالی از پایان‌نامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی طلاب در زمینه بحران‌های اجتماعی، تشویق چاپ مقالات علمی با محوریت الگوی اسلامی مدیریت بحران، و ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی در این موضوع، از اقدامات تکمیلی این پیشنهاد است.

۵. پیشنهاد پنجم، تقویت مرکزهای مشاوره‌ی دینی و گسترش فعالیت آنان در مناطق آسیب‌پذیر است. مراکز مشاوره‌ی حوزوی باید به شکل ساختاری در ادارات کل تبلیغات اسلامی و نمایندگی‌های حوزه در استان‌ها فعال شده و به‌صورت سیار در بحران‌ها حضور یابند. ایجاد سامانه‌ی پاسخ‌گویی تلفنی یا اینترنتی برای مشاوره روانی - ایمانی و ارتباط مستقیم با مردم، می‌تواند در کاهش اضطراب جمعی در دوران بحران‌ها مؤثر باشد.

۶. پیشنهاد ششم، رسانه‌ای‌سازی الگوی دینی تاب‌آوری اجتماعی است. حوزه‌های علمیه باید با تولید محتوای رسانه‌ای - از جمله فیلم کوتاه، پویانمایی، سخنرانی‌های تصویری و پادکست‌های آموزشی - نقش خود را در فضای عمومی تقویت کنند. لازم است مراکز تخصصی «دانش رسانه و دین» در حوزه شکل‌گیرد تا روحانیان برای حضور مؤثر در فضای مجازی و ارتباط هوشمند با افکار عمومی آموزش ببینند. بحران‌های اجتماعی امروز، بیشتر از گذشته در بستر رسانه‌ها شکل می‌گیرند؛ بنابراین، بی‌توجهی حوزه‌ها به این فضا موجب کاهش اثرگذاری معرفتی آنان می‌شود.

۷. پیشنهاد هفتم، نهادینه‌سازی فرهنگ پژوهش و ارزیابی درون‌سازمانی در حوزه علمی است. هر گونه برنامه‌ی دینی و فرهنگی باید همراه با نظام ارزیابی مستمر باشد؛ یعنی حوزه‌ها پس از هر مرحله‌ی اقدام، پیامدهای اجتماعی، اخلاقی و روانی آن را بسنجند و نتایج را برای اصلاح سیاست‌های بعدی به کار گیرند. بدین‌گونه، تجربه‌ی عملی حوزه‌ها به دانش بومی تبدیل می‌شود.

۸. پیشنهاد هشتم، تقویت نگرش تمدنی در مدیریت بحران است. بحران‌ها تنها آسیب‌های مقطعی نیستند بلکه نشانه‌های اختلال در پیوندهای فرهنگی، اقتصادی و ایمانی جامعه‌اند. حوزه‌های علمیه باید در تحلیل بحران‌ها از نگاه صرفاً عاطفی فراتر روند و آن‌ها را پدیده‌هایی ساختاری در فرآیند تمدن‌سازی دینی بدانند. در این صورت، هر بحران به فرصتی برای بازاندیشی در نسبت دین و جامعه تبدیل می‌شود.

جمع‌بندی پیشنهادات نشان می‌دهد که راه آینده‌ی حوزه‌های علمیه در مدیریت بحران‌های اجتماعی، در ترکیب سه عنصر دانش تخصصی، روحیه‌ی معنوی و کارکرد ساختاری خلاصه می‌شود. اگر حوزه بتواند از این سه محور به‌گونه‌ای متوازن استفاده کند، به نهادی مرجع در آرام‌سازی، هدایت و بازسازی جامعه در شرایط بحران تبدیل خواهد شد. چنین رویکردی، تصویری نو از حوزه به‌عنوان عقلانیت معنوی زمانه ارائه می‌دهد؛ عقلانیتی که هم ریشه در وحی دارد و هم در کنار مردم، در میدان بحران‌ها می‌ایستد تا معنای زندگی، ایمان و مسئولیت اخلاقی را در کالبد جامعه بازآفرینی کند.

منابع و مآخذ

مقالات

- شفیعی، خدمتی، ابوطالب، زارع شحنه. (۱۴۰۳). الگوی مدیریت بحران امام رضا (علیه السلام) (مورد مطالعه: مساله ولایتعهدی). فرهنگ رضوی، ۱۳(۵۰)، ۶۸-۴۱.
- ترابی، ا. (۱۳۸۷). مدیریت تحوّل یا تحوّل مدیریت در حوزه‌های علمیه. حوزه، ۲۵(۱۴۵)، ۴۷-۳۴.
- پدرام. (۱۴۰۳). نقش اطلاع‌رسانی در مدیریت بحران مخاطرات جوی و اقلیمی. نیوار، ۴۸(۱۲۶)-۱۲۷، ۵۰-۶۲.
- رحمانی. (۱۳۹۰). ضرورت‌های مدیریت استراتژیک فرهنگی در حوزه‌های علمیه در عصرجهانی شدن. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۲(۲)، ۴۶-۱۹.
- ماندگار قلندری ابوالفضل، منطقی محسن، زمانی محمد حسن. (۱۴۰۱). بررسی مولفه‌های «هوش سازمانی» حوزه علمیه قم در مدیریت بحران کرونا.
- لرنی منوچهر، بلیاد محمد رضا، ایران نژاد پریسا، محمدی نژاد گنجی علیرضا. (۱۴۰۲). شناسایی ابعاد و مولفه‌های تاب‌آوری سازمانی مدیریت بحران در مراکز دانشگاهی برای مواجهه با مخاطرات طبیعی (مطالعه موردی مراکز دانشگاهی شهر کرج).
- مخلص، ح.، فؤادیان، ا. (۱۴۰۲). حوزه‌های علمیه شیعه و توانمندسازی طلاب در مدیریت بحران. پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ۱(۱)، ۱۳۹-۱۶۲.
- میرزایی، ی. (۱۳۸۹). حوزه‌های علمیه و شاخصه‌های حضور جهانی. حوزه، ۲۷(۱۵۷)، ۴۱-۳۵.
- رضوی، س. ع. (۱۳۹۲). نقش علمای حوزه در مقابله باتجزیه طلبی در تاریخ معاصر. حوزه، ۳۰(شماره ۱۶۸-۱۶۹)، ۱۶۰-۸۵.

کتاب

- صلواتیان، س. (۱۳۸۹). رسانه‌ها و مدیریت بحران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- لطیفی، م. ف.، و اسدی، ا. ح. (۱۳۹۳). مدیریت بحران و مشارکت اجتماعی (با تأکید بر نقش هیأت‌های مذهبی). تهران: انتشارات اندیشه آفرینش.
- ماندگار، ا. (۱۴۰۲). طراحی الگوی هوش سازمانی حوزه علمیه قم در مدیریت بحران کرونا. قم: مرکز المصطفی (ص)